

علل و ریشه‌های دین‌گریزی

* ناصر رفیعی محمدی

** علیرضا انصاری

چکیده

دین، برنامه سعادت و رستگاری بشر و دین‌داری، نهادینه‌کردن آموزه‌ها و ارزش‌های دینی در همه ابعاد زندگی است که ثمره بسیاری برای فرد و اجتماع دارد. عواملی به صورت پیدا و پنهان، دین‌داری را تهدید می‌کند که یکی از آنها دین‌گریزی است. البته هیچ‌کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین‌داری یک امر فطری است. دین‌گریزی به معنای کم‌فروغ شدن ایمان و کم‌نور شدن چراغ دین در زندگی افراد، اختصاص به دین خاصی ندارد؛ بلکه دامن‌گیر همه ادیان و مکتب‌هاست و عوامل گوناگونی دارد. در این پژوهش برداشت‌های ناروا از دین، تقلیدهای ناآگاهانه و کورکورانه، عملکرد وابستگان به دین، جهل و نادانی، مسئولیت‌گریزی، دوستان ناباب، آرزوهای طولانی و هواپرستی، تعصب، لجاجت و فقر به عنوان علل و ریشه‌های دین‌گریزی تبیین می‌شود.

کلیدواژه‌ها

دین، باورهای دینی، علل دین‌گریزی.

* دکترای علوم قرآن و حدیث، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی. n.rafei110@yahoo.com

** کارشناس علمی گروه تولید محتوای فرهنگی و تبلیغی. alirezaansari44@yahoo.com



فرار از بندگی خداوند، از مسائل بسیار مهمی است که امروزه آسیب جدی بیشتر جوامع انسانی است. این پدیده که به ایجاد گرایش مادی و ایدئولوژی‌های دین‌ستیز یا دین‌گریز انجامیده، پیشینه‌ای طولانی به بلندای عمر دین دارد؛ همچنان‌که یهودیان پس از ایمان به خدا، در غیبت پیامبرشان حضرت موسی علیه السلام به گوساله‌پرستی و روی‌گردانی از ایمان حقیقی روی آوردند (طه: ۸۸-۸۵). دین در ذات خود عنصری که سبب روی‌گردانی مردم شود، ندارد؛ بلکه علل و عواملی وجود دارد که به صورت آفت‌ها، آسیب‌ها و موانع بازدارنده، فراره اندیشه دینی و گرایش فرد به دین قرار می‌گیرند و زمینه دین‌گریزی و دین‌ستیزی را فراهم می‌کنند؛ از این‌رو شایسته و بایسته است که این علل و انگیزه‌ها، بررسی شوند تا بتوان به درمان آنها پرداخت. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای انجام شده است، نخست معنای دین‌گریزی و لزوم حفظ دین بیان می‌شود و سپس عواملی که سبب دین‌گریزی می‌شود، از دو بعد فردی و اجتماعی همچون برداشت‌های ناروا از دین، تقلیدهای ناآگاهانه و کورکورانه، جهل و نادانی، دوستان ناباب و آرزوهای طولانی بررسی شده است.

۱. مفهوم‌شناسی دین

دین در لغت به معنای جزا، اطاعت، ملک، قرض و ... آمده است (مصطفوی، ۱۳۷۴، ج ۳: ص ۲۶۸ و ۲۶۹). واژه «دین» به معنای جزا، اطاعت، قهر و غلبه، عادت، انقیاد، خضوع، پیروی و مانند آنها آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۸: ص ۷۳؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ص ۳۲۳؛ ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۳: ص ۱۶۹؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ص ۲۵۱). به‌رغم تعاریف متعددی که از دین ارائه شده است، هنوز هیچ توافق قابل ملاحظه‌ای درباره تعریف دین وجود ندارد. برخی دین را اعتراف به این حقیقت دانسته‌اند که کلیه موجودات، تجلیات نیرویی هستند که فراتر از علم و معرفت ماست (هیگ، ۱۳۷۲: ص ۲۲ و ۲۳). برخی دیگر دین را وضعی الهی دانسته‌اند که صاحبان خرد را به سوی رستگاری در این دنیا و حسن عاقبت در آخرت رهنمون می‌شود (ناس، ۱۳۷۰: ص ۷۹-۸۱). اما شاید بهترین تعریف دین این باشد که «دین مجموعه عقاید، اخلاق، قوانین و مقرراتی است که برای اداره فرد و جامعه انسانی و پرورش انسان‌ها از طریق وحی و عقل در اختیار آنان قرار دارد» (جوادی آملی، ۱۳۸۳: ص ۲۷).

۲. تعریف دین‌گریزی

مطابق آموزه‌های اسلامی، دین فطری و دایمی است و هیچ کس نمی‌تواند به طور کامل با دین قطع رابطه کند؛ زیرا دین امر فطری است و هرگز غروب نمی‌کند؛ بنابراین دین‌گریزی به معنای نفی مطلق دین نیست؛ زیرا بنابر آیات قرآن مشرکان نیز در شمار دینداران هستند و از سرنوشت دین خود می‌هراسند (کافرون: ۶؛ مؤمن: ۲۶؛ آل‌عمران: ۷۳). دین‌گریزی را می‌توان به معنای کم‌رنگ شدن ایمان و کم‌فروغ شدن چراغ دین در زندگی افراد دانست؛ چنانکه یهودیان از خداپرستی فاصله گرفته و به گوساله‌پرستی روی آوردند (طه: ۸۸-۸۵). اگرچه دین‌گریزی به دین خاصی اختصاص ندارد، علت این امر نیز در همه ادیان یکسان نیست؛ از این‌رو دین مقوله‌ای است که هر کس خود را در عقیده بر آن صواب می‌داند و دیگران را بر خطا می‌پندارد. چنانکه امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «ثَلَاثٌ خِلَالٍ يَقُولُ كُلُّ إِنْسَانٍ إِنَّهُ عَلَى صَوَابٍ مِنْهَا الَّذِي يَعْتَقِدُهُ وَ هُوَ الَّذِي يَسْتَعْلِي عَلَيْهِ وَ تَذْبِيرُهُ فِي أُمُورِهِ؛ سه چیز است که هر انسانی خود را در آن بر حق می‌داند: دینی که بدان عقیده دارد، خواهش‌هایی که بر او چیره است و تدبیر او در کارهایش» (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۳۲۱). در حقیقت دین‌گریزی تنها به معنای فرار از دین و نافرمانی از دستورهای الهی و نفی دین و خدا نیست؛ بلکه در بسیاری موارد به معنای دوری از دین و بی‌توجهی به آن است. در چنین حالتی گریز یا ستیز با دین، نشانه بیماری است و فردی که در چنین شرایطی است، در معرض بحران‌های بسیاری مانند بحران‌های فکری، روحی، اجتماعی و حتی بی‌هویتی قرار می‌گیرد.

۳. بایستگی حفظ دین

در اندیشه قرآنی و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان علیهم السلام دینداری و حفظ مبانی دینی اهمیت ویژه‌ای دارد. سلامت دین و دینداری همواره مورد تأکید پیشوایان دینی بوده است تا آنجا که در قالب‌های مختلف مانند دعاها، مواعظ، وصایا و خطبه‌ها بر آن تأکید شده است؛ چنانکه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «سَلَامَةُ الدِّينِ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِنْ غَيْرِهِ؛ سلامت دین نزد ما از هر چیز دیگر محبوب‌تر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۸، ص ۳۵۳؛ ابن‌ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۶: ص ۲۱). بر این اساس یکی از نگرانی‌های رسول‌خدا صلی الله علیه و آله، بی‌توجهی به دین و سبک‌شمردن آن بود: «إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ اسْتِخْفَافًا بِالذِّينِ وَ بَيْعَ الْحُكْمِ؛ همانا من بر شما از سبک‌شمردن دین و فروختن حکم و داوری نگران هستم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۹: ص ۲۲۷).



اهمیت تصحیح عقاید مردم در سیره معصومین علیهم‌السلام تا آنجاست که عمرو بن حریث می‌گوید: «روزی بر امام صادق علیه‌السلام وارد شدم. عرض کردم اجازه می‌دهید دین و آیینی را که خدا را با آن می‌پرستم برای شما بیان کنم؟ فرمود: آری. گفتم: من معتقدم که معبودی جز الله نیست و محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم عبد و فرستاده اوست و قیامت بدون شک بر پا خواهد شد و خدای متعال اموات را بر می‌انگیزاند. من به اقامه نماز، پرداخت زکات، روزه ماه رمضان و انجام دادن حج بر کسی که استطاعت داشته باشد، معتقدم. همچنین به اینکه امر ولایت پس از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم به امیرالمؤمنین علیه‌السلام و سپس امام حسن و امام حسین و علی بن الحسین و محمد بن علی علیهم‌السلام و پس از او به شما واگذار شده، اعتقاد دارم. شما پیشوایان من هستید و من بر این عقیده زنده‌ام و می‌میرم و خدا را پرستش می‌کنم. امام صادق علیه‌السلام فرمود: ای عمرو! به خدا قسم این اعتقادات همان است که من و پدرانم به آن معتقدیم و خدا را به آن می‌پرستیم. امام پس از چند تذکر اخلاقی فرمود: هدایت خویش را به حساب خداوند بگذار، نه به حساب خود و او را بر این نعمت سپاسگزار باش» (همان، ج ۶۶: ص ۵).

۴. انگیزه‌های دین‌گریزی

دین‌گریزی اسباب و انگیزه‌های متعددی دارد: گاهی انگیزه‌ها و اسباب، درونی و گاه بیرونی است که موجب روی‌گردانی و بی‌توجهی به اقتضای فطرت شده و دینداری لقلقه زبان می‌گردد؛ چنانکه امام حسین علیه‌السلام فرموده است: «النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالدِّينُ لَعْقٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَخُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَإِذَا مُحْضُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ؛ مردم بنده دنیا هستند و دین بر زبانشان می‌چرخد و تا وقتی زندگی‌هایشان بر محور دین بگردد، در پی آنند، اما وقتی به سبب بلا آزموده شوند، دینداران اندک می‌شوند» (حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۴۵).

مهم‌ترین عوامل دین‌گریزی عبارتند از:

۴-۱. نادانی

جهل و نادانی درباره انسان، جهان، آفرینش، مبدأ و معاد زمینه‌ساز گریز از دین است. افرادی که با قشری‌نگری، تنها موجودات پیرامون خود را ببینند، ماورای ماده را باور نخواهند داشت. افرادی که ابعاد مختلف انسان را نمی‌شناسند، نیازهای انسان را در جنبه‌های مادی منحصر کرده و از نیازهای متعالی او غافل‌اند. نبود شناخت صحیح ریشه بسیاری از انحراف‌ها در طول تاریخ بوده

است؛ چنانکه موسی علیه السلام علت انحراف قومش از توحید را نادانی آنان می‌داند: «**قَالُوا يَا مُوسَى اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ آلِهَةٌ قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ**» (اعراف: ۱۳۸). یوسف علیه السلام نیز تصمیم ستمگرانه برادرانش در به چاه افکندن آن حضرت را جهل آنان می‌شمارد: «**قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ**» (یوسف: ۸۹). همچنین لوط علیه السلام ریشه فساد جنسی قوم ناسپاس خود را جهل می‌خواند: «**أَأَنْتُمْ لَتَأْتُونَ الرَّجَالَ شَهْوَةً مِنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ**» (نمل: ۵۵). خداوند در سوره یوسف می‌فرماید: «**قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ**» (یوسف: ۱۰۸).

بنا بر این آیه شریفه، راه انبیا و مسیر دین با بصیرت و آگاهی همراهی است و هرگز با خرافه، جهل، سحر و جادو آمیخته نیست. افراد نادان که گاهی گرفتار جهل بسیط هستند و گاهی جهل مرکب، حجابی میان خود و دین قرار داده و پیرو طمع و آرزوهای ناروای خود می‌شوند. امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «دل‌های جاهلان را طمع‌ها به حرکت درمی‌آورد و آرزوهای آن را در گرو خویش می‌گیرد و خدعه‌ها و نیرنگ‌ها آن را به خود مربوط می‌سازد» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱: ص ۲۳).

۴-۲. تقلید ناآگاهانه

پیروی ناآگاهانه از افراد، جریان‌ها و اندیشه‌های باطل، از لغزش‌گاه‌های زیانبار دینداری است. قرآن درباره چنین افرادی که در حقیقت بینش عمیقی ندارند و از دیگران کورکورانه تقلید می‌کنند، فرموده است: «**مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمِ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ**» (هود: ۲۴) آنان را کور و کر و از حیوانات نیز پست‌تر دانسته و نکوهش کرده است؛ زیرا راه تعقل را بر خود بسته و بی‌فکر و اندیشه و تحقیق از دیگران پیروی می‌کنند؛ درحالی‌که قرآن همواره آدمی را به اندیشیدن و بهره‌بردن از عقل امر کرده و فرموده است: «**قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ؟** بگو آیا کور و نابینا برابرند؟ آیا تفکر و اندیشه نمی‌کنید؟» (انعام: ۵۰). تقلید آگاهانه که به آن امر شده‌ایم، به معنای پیروی فرد غیرمتخصص و ناآگاه از افراد خبره و آگاه و مراجعه به آنان است که از لوازم رشد و تکامل نیز می‌باشد.

تقلید کورکورانه یا تقلید جاهلانه ناشی از عدم بلوغ فکری، شخصیت‌زدگی و تعصب به نیاکان است. پافشاری بر عقاید باطل و رسوم ناپسند در پرتو همین تقلید از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود: «(و چون به آنان گفته شود: آنچه را که خدا نازل کرده پیروی کنید، می‌گویند: [نه!] بلکه از آنچه که پدرانمان را بر آن یافته‌ایم، پیروی می‌کنیم، آیا هرچند شیطان آنان را به سوی عذاب



سوزان فرا خواند» (لقمان: ۲۱). چنین تقلیدی از فرد هویت‌زدایی کرده و او را به آسانی در برابر خطاها آسیب‌پذیر می‌نماید: «وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (زخرف: ۲۳).

۴-۳. برداشت‌های ناروا از دین

علت دیگر دین‌گریزی، برداشت‌های نادرست از معارف دینی است. گاهی دین مساوی با معنویت انگاشته شده و در حد نیاز معنوی صرف بدان نگرسته می‌شود. سپس چنین نتیجه‌گیری می‌شود که نیاز به معنویت، فقط ویژه مواقع سختی و بحران‌های شدید است و دین نقش اساسی در زندگی روزمره انسان ندارد (عباسی، ۱۳۸۶: ص ۷۵-۹۲). همچنین تفسیرهای ناروا از مفاهیم دینی مانند قضا و قدر، صبر، زهد، انتظار فرج، توسل، شفاعت، زیارت، جبر و اختیار دستاویزی برای فرار از برخی آموزه‌های دینی است. این دیدگاه ساده‌انگارانه و نابخردانه به تدریج باعث کاهش گرایش به معارف دینی و دوری از دین می‌شود. جوانی که در جستجوی فلسفه زندگی است، اگر احساس کند دین در معنادهی و جهت‌بخشی به زندگی او تأثیر مثبتی ندارد، به تدریج آن را کنار می‌گذارد و چه‌بسا آن را امری زاید و دست‌وپاگیر انگاشته، از آن گریزان شود. شهید مطهری می‌نویسد: «یکی دیگر از موجبات اعراض و روگرداندن از دین، جنگ و ستیزی است که برخی از داعیان و مبلغان دینی بی‌خرد میان دین و سایر غرایز فطری و طبیعی بشر ایجاد می‌کنند و دین را به جای اینکه مصلح و تعدیل‌کننده غرایز دیگر معرفی کنند، آن را ضد و منافی و دشمن سایر فطریات بشر معرفی می‌کنند؛ و این (در حالی است که) حقیقت‌جویی، تمایل به تشکیل خانواده و انتخاب همسر و همچنین تمایلات دینی نیز یکی از تمایلات طبیعی انسان است که هیچ‌یک از این تمایلات با یکدیگر سر جنگ ندارند» (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۳: ص ۴۰۵).

در چنین شرایطی است که ضرورت دریافت دین از مبادی صحیح و رجوع به متخصصان آگاه رخ می‌نماید. مردم در شرایط فعلی، از دین و دینداری مطالب خردپسند و معقول می‌طلبند و نمی‌توانند با تکیه بر خرافات، جعلیات و مطالب غیرمنطقی باورهای خود را مستحکم کنند. رسول‌خدا ﷺ می‌فرماید: «لِكُلِّ شَيْءٍ عِمَادٌ وَعِمَادُ هَذَا الدِّينِ الْفَقْهُ؛ برای هر چیز ستونی است و ستون دین نیز فقه و آگاهی است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱: ص ۲۱۶). امام باقر علیه السلام نیز می‌فرماید: «الدِّينُ وَاسِعٌ وَلَكِنَّ الْخَوَارِجَ ضَيَّقُوا عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ مِنْ جَهْلِهِمْ؛ دین گسترده است، ولی خوارج از روی نادانی بر خود سخت گرفتند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۴۰۵).

تبيين صحيح مفاهيم ديني و زدودن دين از خرافه‌ها و مطالب مجعول، وظيفه مهم مسلمانان و انديشمندان ديني است؛ زيرا متأسفانه در طول تاريخ، افرادي با انگيزه‌هاي مختلف به جعل احاديث اقدام کرده‌اند. نقل حديث و بيان مراد آن، نيازمند داشتن مهارت علمي و پيشينه لازم است و هر کسي نمي‌تواند درباره دين به اظهارنظرهاي کارشناسانه بپردازد.

۴-۴. عملکرد وابستگان به دين

يکي از عوامل مهم دين‌گريزي، عملکرد نادرست برخي عالمان، حاکمان ديني و وابستگان به دين مي‌باشد؛ زيرا اينان الگوهاي ديني جامعه به شمار مي‌روند و موفقيت يا عدم موفقيت آنها در دينداري و دين‌گريزي مردم اثرگذار است. مردم پيش از آنکه از مباحث استدلالی درباره لزوم دينداري متأثر باشند، تحت تأثير منش و اخلاق رهبران، حاکمان و وابستگان دين خویش بوده و عملکرد آنها را به حساب دين مي‌گذارند؛ چنانکه رسول خدا ﷺ فرموده است: «صِنْفَانِ مِنْ أُمَّتِي إِذَا صَلَحَا صَلَحَتْ أُمَّتِي وَ إِذَا فَسَدَا فَسَدَتْ أُمَّتِي الْأَمْرَاءُ وَ الْقُرَّاءُ؛ اگر دو صنف از امت من صالح باشند، امت من صالح مي‌شوند و چون فاسد شوند، امت من فاسد مي‌شوند. [سؤال شد يا رسول الله اينان کدامند؟ فرمود: [فقيهان و حاکمان]» (صدوق، ۱۳۷۶: ص ۳۶۶). از اين رو در گزاره‌هاي ديني تأکيد شده است که عالمان و حاکمان ديني پيش از دعوت ديگران به دين، خود به آموزه‌هاي دين عمل کنند؛ چنانکه امام علي عليه السلام فرموده است: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ؛ کسی که خود را پيشوای ديگران قرار مي‌دهد، بايد نخست به آموزش خویش قبل از تعليم ديگران اقدام کند و بايد تربيت او به وسيله عمل و سیره خویش، قبل از آموزش با زبان باشد» (شريف الرضي، ۱۴۱۴: ص ۴۰۸).

قرآن عمل درست يا نادرست زنان پيامبر ﷺ را مستحق دو عذاب يا پاداش مي‌داند؛ زيرا گناه و ثواب آنان تأثير اجتماعي دو چندان دارد. امام صادق عليه السلام به يکي از وابستگانش به نام شقراني که گرفتار خمر بود، فرمود: «اي شقراني! اعمال نيك از هر کسي نيك است، ولي از تو نيكوتر از ديگران است؛ زيرا منسوب به ما هستي و کارهاي ناپسند نيز از هر کسي بد است و از تو بدتر است؛ زيرا به ما نسبت داري» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۴: ص ۲۳۶).

البته نمي‌توان همه بستگان دين را مبرا از عيوب دانست. حتى در ميان فرزندان، همسران و اصحاب انبيا و ائمه معصومين عليهم السلام نيز افراد ناصالح وجود داشته‌اند. نيز نمي‌توان تأثير وضعي



عملکرد عالمان، مسئولان و وابستگان به دین را منکر شد؛ اما با این همه باید با آگاهی دادن به مردم، دامن دین را از عملکرد دینداران جدا کرد و با ذکر شواهد، لزوم تأسی به قرآن و معصومان و تفکیک میان اسلام و عملکرد مسلمانان را تذکر داد؛ چنانکه قرآن درباره فرزند نوح علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ؛ او در حقیقت از کسان تو نیست، او دارای کرداری ناشایست است» (هود: ۴۶).

۴.۵. مسئولیت‌گریزی

یکی از عوامل گریز از دین، فرار از مسئولیت و تکلیف است؛ یعنی انسان تمایل دارد آزاد باشد و هر گناهی را انجام دهد، اما ایمان و اعتقاد به خدا و قیامت سدّ عظیمی در مقابل هرگونه گناه است. او می‌خواهد این سد را در هم بشکند و آزادانه هر عملی را انجام دهد. این امر منحصر به زمان‌های گذشته نیست. امروز هم یکی از علل گرایش به مادیگری و انکار مبدأ و معاد، احساس آزادی عمل در گناه و گریز از مسئولیت‌ها و شکستن قانون الهی است؛ بنابراین میل به بی‌بندوباری، راحت‌طلبی و آزادی بی‌قید و شرط یکی از عواملی است که انسان‌ها را از دینداری دور ساخته و گاه حتی به الحاد می‌کشاند. انسان، موجودی مسئولیت‌پذیر است و نمی‌تواند در برابر خالق، خود، جامعه، دین و... بی‌تفاوت باشد. لازمهٔ مسئولیت‌پذیری نیز پذیرش قید و بند و انجام دادن دستورهای دینی و تقید به بایدها و نبایدهاست. قرآن این حقیقت را چنین بیان می‌کند: «بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ يَسْئَلُ أَيْتَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ ولی نه، انسان می‌خواهد که در پیشگاه او فسادکاری کند می‌پرسد: روز رستاخیز چه وقت است؟» (قیامت: ۵ و ۶).

اسلام برای انسان‌ها آزادی مشروط قائل است؛ آزادی‌ای که مصالح مسلمانان را بر هم نزند و آزادی دیگران را خدشه‌دار نسازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: «خداوند از روی جبر پرستش نمی‌شود» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۴: ص ۱۴۰)، اما افراد گنهکار و بدکار از آزادی سوءاستفاده کرد و آن را بدون پذیرش شرایط خواهندند. نتیجه این بینش غلط، فرار از دین و گاه انکار آن می‌شود؛ زیرا دین، آزادی را به دلیل عقلی محدود ساخته است. قرآن این هوس‌رانی و دین‌گریزی را ناشی از کردار زشت و آلودگی به گناه می‌داند (روم: ۱۰).

۴.۶. آرزوهای طولانی و هواپرستی

امید و آرزو لازمهٔ زندگی انسان است؛ زیرا امید داشتن و آرزو انسان را به آینده امیدوار می‌سازد.

یک مادر به آرزوی داشتن فرزندی صالح، دوران بارداری را تحمل می‌کند. یک کشاورز به امید برداشت محصول خوب، رنج کاشت و آبیاری را به جان می‌خورد. اگر آرزو در انسان‌ها نباشد، آینده‌نگری نیز نخواهد بود؛ اما اگر این میل از حد بگذرد و به آرزوهای دست‌نیافتنی تبدیل گردد، خطرناک است و انسان را از پذیرش مسئولیت باز می‌دارد. امام علی علیه السلام با یادآوری خطر این آرزوهای آمیخته با خیال، فرموده است: «خطرناک‌ترین چیزی که از آن بر شما می‌ترسم، دو چیز است: پیروی از هوای نفس و آرزوهای دراز. پیروی از هوا، از حق باز می‌دارد و آرزوهای دراز، آخرت را به فراموشی می‌سپارد» (شریف الرضی، ۱۴۱۴: ص ۸۳ و ۸۴).

نتیجه آرزو آن است که مؤمنان در قیامت در پاسخ منافقان که فریاد می‌زنند آیا ما با شما نبودیم؟ مگر در یک جامعه زندگی نمی‌کردیم؟ چرا صفوف ما از هم جدا شد؟ چرا ما دچار عذاب شدیم و شما به سوی رحمت الهی رفتید؟ می‌گویند: با هم بودیم، اما آرزوهای دور و دراز شما را فریب داد. پرده بر خرد و اندیشه شما افکند تا مرگتان فرا رسید و دچار عذاب گشتید (حدید: ۱۴). آرزوهای طول و دراز می‌تواند به هواپرستی منجر شود که یکی دیگر از عوامل دین‌گریزی است؛ زیرا به واسطه هواپرستی عقل آدمی در زمینه کشش‌های هوای نفس و شهوات از میان می‌رود؛ از همین رو خداوند به مسلمانان هشدار می‌دهد که مراقب وضع خویش باشند تا گرفتار سرنوشت اقوام گذشته که به سبب آرزوهای طول و دراز، به جای خداپرستی به هواپرستی روی آوردند و در نهایت با فسق و کفر از دنیا رفتند، نشوند: «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ»؛ آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده است که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد و مانند کسانی نباشند که از پیش بدان‌ها کتاب داده شد و [عمر و] انتظار بر آنان به درازا کشید و دل‌هایشان سخت گردید و بسیاری از آنها فاسق بودند» (حدید: ۱۶).

دنیای امروز بر اثر پیروی از هوس‌ها و تمایلات نفسانی با گرفتاری‌های سنگینی مواجه شده است. آزادی‌های بی‌حساب و خلاف مصلحت، برای مردم مصیبت‌های گوناگونی به بار آورده و در کشورهای پیشرفته، روز به روز بر آمار جرایم و جنایات افزوده می‌شود (فلسفی، ۱۳۴۴، ج ۱: ص ۴۳۰)؛ زیرا در این جوامع مردم از دین روی‌گردان شده و معنویت کم‌رنگ و رویکرد به باطل افزایش یافته است. هواپرستان که از درک حقیقت عاجزند و قدرت تشخیص ندارند، به پیروی از



هوای نفس و خواسته‌های دل پرداخته و چشم دلشان، کور و بر قلب و گوششان مهر خورده است (جائیه: ۲۳). چنانکه امام علی علیه السلام فرموده است: «اگر پیرو هوای نفس شدی، تو را کر و کور می‌نماید» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۱۷۲).

چه بسیار افرادی که به سبب تبعیت از هوای نفس، سقوط کرده و از جرگه دینداری خارج شدند؛ به‌ویژه خواصی مانند بلعم باعورا، برصیصای عابد، طلحه، زبیر و افرادی که به‌واسطه حاکمیت هوای نفس دین را به دنیا فروختند. امام علی علیه السلام درباره این افراد می‌فرماید: «مَنْ أَطَاعَ هَوَاهُ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهُ؛ هر کس که از هوای نفسش پیروی کند، آخرتش را به دنیا فروخته است» (صدوق، ۱۴۰۳: ص ۱۹۵).

۴-۷. دوستان نامناسب

انسان موجودی اجتماعی است و نیاز دارد با مردم زندگی و با آنان رابطه برقرار نماید؛ از این رو انتخاب دوست از بایستگی زندگی اجتماعی است؛ زیرا دوست شایسته یکی از سرمایه‌های بزرگ زندگی و از عوامل خوشبختی و سعادت بشر است. اولیای گرامی اسلام پیروان خود را در انتخاب رفیق عاقل و با ایمان تشویق کرده و پیامدهای ارزنده چنین دوستی‌ای را خاطر نشان ساخته‌اند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالْإِحْوَانِ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ لِلدُّنْيَا وَ عُدَّةٌ لِالْآخِرَةِ؛ پیوند دوستی خود با برادرانتان را محکم کنید که آنها ذخایر و پشتیبان شما در دنیا و آخرت هستند» (طبرسی، ۱۳۸۵: ص ۱۸۷). بر این اساس دوست‌یابی یکی از اموری است که در آموزه‌های دینی بسیار مورد توجه و تأکید قرار گرفته است. البته این برقراری روابط باید به‌گونه‌ای باشد که دوست، انسان را در تحقق اهداف یاری کند؛ زیرا در غیر این صورت برقراری رابطه با دوستان ناباب، انسان را از اهداف خود دور ساخته و موجب بدبختی وی می‌شوند؛ چنان‌که فرزند نوح علیه السلام تحت تأثیر محیط و دوستان دین‌گریز قرار گرفت و از شمار خاندان و نجات‌یافتگان بیرون رفت (هود: ۴۶). شماری از کافران نیز با الگوگیری از بزرگان خود به دین‌گریزی کشانده شدند (توبه: ۳۱). همچنین برخی دوزخیان در صحرای محشر می‌گویند: «يَا وَيْلَتَى لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا؛ ای وای، کاش فلانی را دوست خود نگرفته بودم» (فرقان: ۲۸). هم‌نشینی با دوستان ناباب، دین و دنیای انسان را تباه می‌کند؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرموده است: «دوستی با اشرار باعث کسب شرّ می‌شود» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ص ۳۰۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز فرموده است: «مَثَلُ الْجَلِيسِ الصَّالِحِ مَثَلُ الدَّارِيِّ إِنْ لَمْ تَجِدْ عِطْرَهُ عَلِقَكَ رِيحُهُ وَمَثَلُ جَلِيسِ السَّوِّءِ مَثَلُ صَاحِبِ الْكَبِيرِ



إِنْ لَمْ يُخْرِفِكَ شِرَارُ نَارِهِ عَلِقَكَ مِنْ نَثِيهِ؛ مثل همنشین شایسته مثل عطار است. اگر از عطر خودش هم به تو ندهد، از بوی خوشش به تو می‌رسد و مثل همنشین بد، مانند کوره آهنگری است. اگر لباس تو را نسوزاند، ولی بوی کوره به تو می‌رسد» (شعیری، بی تا: ص ۱۸۳).

۴۸. تعصب و لجاجت

تعصب از ماده «عَصَبَ» در اصل به معنای پی‌ها و عصب‌هایی است که عضلات را به یکدیگر وصل می‌کند (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱: ص ۶۰۲). در اینجا مراد از تعصب، شدت و استحکام است.

لجاجت نیز به معنای اصرار غیر منطقی و ناروا درباره چیزی و عدم انصراف از آن است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴، ج ۳: ص ۴۷۰). این دو لازم و ملزوم یکدیگرند. سرچشمه آنها نیز جهل و نادانی است. تعصب و لجاجت افراد را از درک حقیقت و رسیدن به واقعیت‌ها باز می‌دارد و در نهایت به گریز از دین و حتی انکار آن می‌انجامد. قرآن می‌فرماید: «وَمِنْهُمْ مَنْ يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ وَجَعَلْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ يَرَوْا كَلِمًا آيَةً لَا يُؤْمِنُوا بِهَا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ و بعضی از آنان به سخن تو گوش فرا دارند، ولی ما پرده بر دل‌هاشان نهاده‌ایم که فهم آن نتوانند کرد و در گوش‌های آنها سنگینی نهاده‌ایم، و اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند، باز بدان ایمان نمی‌آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند، در مقام مجادله بر آمده، گویند: این آیات چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست» (انعام: ۲۵).

در شأن نزول این آیه آمده است: گروهی از مشرکان قریش مانند ابوسفیان، ولید بن مغیره و ابوجهل خدمت رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ آمدند و به سخنان او گوش دادند. سپس به نصر بن حارث گفتند: محمد چه می‌گوید؟ او گفت: نمی‌دانم، ولی می‌بینم لب‌های خود را تکان می‌دهد و همان افسانه‌های پیشینیان را تکرار می‌کند. سپس ابوسفیان گفت: برخی از سخنان او را حق نمی‌بینم (مکارم، ۱۳۷۷، ج ۱: ص ۳۳۷).

لجاجت یهودیان با پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در حالی صورت می‌گرفت که آن حضرت را کاملاً می‌شناختند: «يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ؛ مانند فرزندان خود رسول خدا را می‌شناختند» (انعام: ۲۰)، اما از روی تعصب و لجاجت انکار می‌کردند: «فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» (بقره: ۸۹). در تفسیر این آیه آمده است: قوم یهود قبل از آمدن پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در جنگ‌های خود خدا را به او و کتابش سوگند می‌دادند و درخواست کمک می‌کردند و خدا هم آنان را یاری می‌کرد؛ اما پس از بعثت آن حضرت چون دیدند او از نسل اسماعیل عَلَيْهِ السَّلَام است، تعصب قومی مانع شد که رسالت



پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ را پذیرند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج: ۱، ص: ۱۵۸). امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام نیز فرموده است: «هر کسی اهل تعصب باشد یا برای او تعصب نمایند، او ریسمان ایمان را از گردنش پاره کرده است» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۲، ص: ۳۰۷).

۴-۹. فقر

یکی از عوامل دین‌گریزی، فقر است. چه بسا بتوان فقر را از پلیدترین پدیده‌های جامعه به شمار آورد. بی‌تردید بسیاری از ناهنجاری‌های اجتماعی همچون سرقت، ولگردی، خودفروشی و اعتیاد به علت تنگدستی و فقر به وجود می‌آید. نگاهی گذرا به بزهکاران و ساکنان ندامتگاه‌ها ما را به این حقیقت دردآور رهنمون می‌نماید که شمار بسیاری از آنان در اثر تهیدستی، پای در این راه شوم و بدفرجام نهاده‌اند (ر.ک: عباسی، ۱۳۸۶).

فقر در هر جامعه‌ای که چهره کربیه خود را به نمایش بگذارد، مانند سیلی بنیان‌کن زیربنای تمامی ارزش‌های انسانی را ویران می‌سازد؛ از این رو پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عرضه داشت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكُفْرِ وَالْفَقْرِ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج: ۴، ص: ۴۰۳). همچنین حضرت فرمود: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الْكُفْرِ وَالذِّينِ قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ أ تَعْدِلُ الذِّينَ بِالْكَفْرِ قَالَ نَعَمْ؛ به خدا پناه می‌برم از کفر و بدهی. گفته شد: ای رسول‌خدا! آیا قرض را با کفر برابر می‌دانی؟ فرمود: آری» (صدوق، ۱۳۶۲، ج: ۲، ص: ۵۲۸). امام علی عَلَيْهِ السَّلَام نیز به فرزندش محمد بن حنفیه می‌فرماید: «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكَ الْفَقْرَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنْهُ فَإِنَّ الْفَقْرَ مَنْقَصَةٌ لِلدِّينِ مَدْهَشَةٌ لِلْعَقْلِ دَاعِيَةٌ لِلْمَقْتِ؛ فرزندم! من بر تو از فقر هراسانم، پس به خدا پناه ببر؛ زیرا فقر دین را می‌زدايد و عقل را سرگردان می‌کند و دشمنی ایجاد می‌کند» (شریف‌الرضی، ۱۴۱۴: ص ۵۳۱).

برای رفع این مشکل باید از اسراف و تبذیر جلوگیری کرد و مردم را به قناعت و صرفه‌جویی سفارش کرد. همچنین حکومت اسلامی باید با اتخاذ سیاست‌ها و برنامه‌ریزی‌های مشخص در جهت اعتدال حرکت کند. البته در جامعه فقیر و وظیفه ثروتمندان و صاحبان سرمایه سنگین‌تر است؛ چنانکه امام علی عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «خداوند سبحان در اموال ثروتمندان روزی تنگدستان را قرار داده است. هر فقیری که گرسنه بماند، ریشه‌اش در امتناع ثروتمندان است» (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰: ص ۲۳۴). نوشته‌اند که چندین سال پیش در یکی از شهرهای کوچک واقع در ایالت فیلادلفیا (امریکا) زن‌ها قمار می‌کردند. در آغاز کشیش‌ها، روزنامه‌نویس‌ها، خطبا و فصحا تا توانستند درباره بدی قمار به‌ویژه برای زن‌ها گفتند و نوشتند، ولی اثر نکرد تا آنکه شهردار محله



دو تا باشگاه و نمایشگاه هنری زنانه دایر کرد و سرگرمی‌های مناسب در آنجا فراهم کرد که هر کدام برنامه‌ریزی‌های خاصی داشت و مردم را سر ذوق می‌آورد. دو سه سالی از این جریان گذشت و زن‌های آن شهر قمار را فراموش کردند (مطهری، ۱۳۵۸، ج ۲۰: ص ۲۰۵).

نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در درمان یک بیماری، نخست ریشه‌ها و علت‌های بروز آن بررسی می‌شود تا درمان بهتری برای آن صورت گیرد، برای درمان دین‌گریزی نیز باید علل زمینه‌ساز آن بررسی شود. از آنجا که گریزان بودن از دین، جریانی بر خلاف فطرت و طبیعت آدمی است، باید به واکاوی ریشه‌ها و علت‌هایی پرداخت که زمینه‌ساز ایجاد این جریان هستند. امروزه بحران‌های ناشی از آسیب دین و دین‌داری چنان عمیق و گسترده است که سبب بروز بحران‌های روحی، فکری، اجتماعی و حتی سیاسی شده و به بی‌هویتی انسان منجر شده است. این ریشه‌ها و علت‌ها ناشی از عوامل درونی و بیرونی است که یا مانع روی آوردن آدمی به امور معنوی می‌گردد و یا موجب تضعیف، تردید و دل‌زدگی انسان به باورها و ارزش‌های معنوی می‌شود. شناسایی این علل و ریشه‌ها می‌تواند سبب دست‌یافتن به راهکارهایی برای درمان این بحران‌ها شود.

کتابنامه

۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغة لابن ابی الحدید، چ ۱، قم: مکتبة آية الله المرعشی النجفی.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحیح: علی اکبر غفاری، چ ۲، قم: جامعه مدرسین.
۳. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (۱۳۷۹ق)، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، چ ۱، قم: علامه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تصحیح: جمال الدین میردامادی، بیروت: دار الفکر للطباعة والنشر والتوزیع - دار صادر.
۵. بهرامی، محمد (۱۳۸۳)، «دین‌گریزی، عوامل و راه‌حل‌ها در پرتو قرآن»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۳۷.
۶. پایگاه اینترنتی منبرک (۱۳۹۶/۱۱/۴)؛ «صحبت‌های کوتاه دو دقیقه‌ای»،



۷. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، چ ۲، قم: دار الکتب الاسلامی.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داوودی، بیروت - دمشق: دارالشامیه.
۹. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، تصحیح: صبحی صالح، قم: هجرت.
۱۰. شعیری، محمد بن محمد (بی تا)، جامع الاخبار، نجف: مطبعة حیدریه.
۱۱. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶)، الأمالی، چ ۶، تهران: کتابچی.
۱۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲)، الخصال، چ ۱، قم: جامعه مدرسین.
۱۳. صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۳ق)، معانی الأخبار؛ چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، مشکاة الانوار، چ ۲، نجف: مکتبه الحیدریه.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح: فضل الله یزدی طباطبایی، چ ۳، تهران: ناصر خسرو.
۱۶. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵)، مجمع البحرین، تصحیح: احمد حسینی اشکوری، چ ۳، تهران: مرتضوی.
۱۷. عباسی، محمد (۱۳۸۶)، «عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب»، مجله معرفت، ش ۱۱۶.
۱۸. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹)، کتاب العین، قم: نشر هجرت.
۱۹. فلسفی، محمد تقی (۱۳۴۴)، جوان از نظر عقل و احساسات، چ ۱۵، تهران: هیئت نشر معارف اسلامی.
۲۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چ ۴، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۲۱. لثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۶)، عیون الحکم و المواعظ، چ ۱، قم: دار الحدیث.
۲۲. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۲۳. محمد مرتضی حسینی زبیدی (۱۴۱۴ق)، تاج العروس من جواهر القاموس، تصحیح: علی هلالی و علی سیری، چ ۱، بیروت: دارالفکر.

۲۴. مصطفوی، سیدحسن (۱۳۷۴)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، مجموعه آثار، تهران: انتشارات صدرا.

۲۶. ناس، جان (۱۳۷۰)، تاریخ جامع ادیان، ترجمه: علی اصغر حکمت، تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.

۲۷. ناصر مکارم شیرازی (۱۳۷۷)، پیام قرآن، چ ۴، قم: چاپخانه جامعه مدرسین.

۲۸. هیک، جان (۱۳۷۲)، فلسفه دین، ترجمه: بهرام راد، تهران: انتشارات بین‌المللی هدی.